

## نامه همدردی به

# آقای شهرام همایون

امیرفیض حقوقدان

آقای شهرام همایون از اینکه در جریان بهره برداری از اعلیحضرت در برنامه تجاری خود، براه چاپلوسی و تملق در حالت مقایسه بین تلاشهای شاهزاده (بقول خود شهرام همایون) و خدمات رضاشاه کبیروشاهنشاه آریامهر برتری رابه شاهزاده داد، مورد طعن و تقبیح کسانی از جمله بنده قرار گرفت.

بنده چون راضی به افسردگی هیچکس نیستم در راستای همدردی با ایشان عرض میکنم:

تقبیح نسبت به شخص، متوجه عملی است که شخص مرتکب میشود و حکم آن هنگامی است که آن عمل مورد تاسی دیگران نباشد و اگر غیر این بود یعنی عملی بود که دیگر افراد جامعه که تاحدی سرشناس هستند به آن عمل کرده و میکنند قبح عمل حالت نسبی پیدا میکند، و تاحدی مصداق >خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو< میشود.

برای ترضیه خاطر آقای همایون و فرقه «ماهستیم» سه مورد که نشانی از تاسی به قبح عمل چاپلوسی آنها دقیقاً در مجرای قابل مقایسه با عمل قبیح آقای همایون است مطرح میشود تا شاید رفع کسالت از ایشان بشود.



SHAHRAM HOMAYOUN

PRINCE REZA PAHLAVI

## مورد اول فخرالدین حجازی

فخرالدین حجازی نماینده دوره اول طویلۀ اسلامی که یک خطیب بود، یکبار در حضور خمینی گفت:

> ارزش او بیشتر از موسی و عیسی است زیرا آنها در زندگی شان یک عده معدودی را براه راست هدایت کردند در صورتی که شما میلیون ها نفر را هدایت کردید< حجازی تلویحا خطاب به خمینی گفت: >اگر شما مهدی موعود هستید پس پرده از رویتان برفکنید<.

امر مقایسه حجازی کاملا منطبق با مقایسه شهرام همایون است. حجازی خطیب بوده و همایون هم هست و در همان صحنه مقایسه، دقیقا نقش خطیب را داشته است.

- حجازی در حضور خمینی خطبه چاپلوسی و مقایسه با موسی و عیسی را خوانده و شهرام همایون هم در حضور اعلیحضرت.
- حجازی در ارزشیابی مقایسه، برتری ارزش را به خمینی داده و شهرام همایون هم به شاهزاده به قول خودش.
- حجازی طرف مقایسه را موسی و عیسی یعنی دوقدرت و پیامبر قرارداد و شهرام همایون هم دویادشاه را.

تنها تفاوت بین آن دو جریان این است که خمینی بمناسبت همان مجیزگویی و چاپلوسی های حجازی از او کناره گرفت، ولی اعلیحضرت درک مهم نفرومودند. خمینی میدانست که دشمن دانا بزرگت میکند – برزمینت میزند نادان دوست؛ ولی اعلیحضرت به این حقیقت نرسیده اند که برزمینش میزند شهرام دوست.

## مردان بزرگ و چاپلوسان

گفته شده که قآنی شاعری مقلد و چاپلوس بود روزی برای نزدیکی به قائم مقام شعری سرود و رفت خدمت قائم مقام و آنرا خواند که دوبیت از آن چند بیتی چنین است.

زبهر آنکه هر نفس ترا به جان ثنا کنم      برای طول عمر خود به خویشان دعا کنم

زگوه رثای خود فرستمت نثارها      همی فشانده از سمن به مردوزن نثارها

قائم مقام که از چاپلوسی بیزار بود همان بیت اول را که شنید دستور داد که قآنی ساکت شود و خود در ادامه قصیده شاعر گفت: >به مقعد دروغگو منارها و چنارها<.

ولی اعلیحضرت ما به شعفی که هویدا بود اجازه دادند که چاپلوسی ها و نتیجه بسیار زننده و خلاف واقع آن از سوی شهرام همایون ادامه یابد و در پایان صله مرسوم ربا شعار «ما هستیم» به چاپلوسی های شهرام مرحمت فرمودند.

## مورد دوم – مقایسه نوری علا

نوری علا نوشته است:

میرفطروس پرفسوری که سهل است خدای تحقیق و اندیشه محسوب میشود و کلمه به کلمه از سخنانش همچون آیات الهی انتقاد ناپذیر است.

در این مقایسه و تشبیه، میرفطروس برخدا برتر شناخته شده و نوری علا به کلمات میرفطروس اعتباری داده که خدا و میلیاردها مسلمان جهان به قرآن داده و میدهند.

اگر نوری علا مداهنه و چاپلوسی و مقایسه میرفطروس رادرمقابل خدا نکرده چون خدا حضور نداشته و اگر داشت برای اثبات نظریه برتری میرفطروس برخدا دوتا توسری هم به خدا میزد.

### مورد سوم رجوی

مسعود رجوی است که در خطبه هایش میگوید: «بنام خدا و مریم و مسعود» تفاوت بین مقایسه رجوی با نوری علا در این است که رجوی برتری را به خودش نداده بلکه مریم و خودش را همطراز خدا دانسته و از آنجا که نام خدا با صفات بخشنده و مهربان معمول و مشهور است؛ مسعود رجوی خواسته است خودش و مریم را با صفات خدا معرفی کرده باشد، و این جریان واجد این نتیجه است که خدا بدون مریم و مسعود خدای شناخته شده جهانیان نیست.

### یادگاری به آقای شهرام همایون

برای ختم کلام بیت معروف مولانا بعنوان یادگاری به آقای شهرام همایون پیش کش شده است.

از هوا داری ما و تو چو مستغنی است یار      ای رقیب این چاپلوسی و لوندی تابه کی